آن در آمد خدای تعالی آثر امر بهمه کس ظاهر گرداند پس در کتاب مکنون
و علم مخزون که از برای خود اختیار کرده ایم خبری عظیم
یافته ایم که خیر تو و عامه ناس در ان خواهد بود و ان خبر انست
که مولود شده است یا درین زودی مولود خواهد شد در تهامه
کودکی که نام وی محمد باشد پدر و مادر وی بمیرند و جد و عم وی
کفالت وی کنند خدای تعالی صلی الله علیه وسلم وی را برانگیزاند و ما را انصار
و اعوان وی گرداند دوستان خود را بوی عزیز سازد و دشمنان را
براندازد پس وی بمعاونت آن دوستان از هر طرف که خواهد
درآید و بر سر که خواهد برزند ذخایر و نفایس آن بتصرف خود درآرد
آتشهای کفر بسبب وی فرو میرد و هر کسی طریق پرستش
خدای گیرد شیاطین مرجوم و مدحور و اوثان مهجور و مکسور
وی فاصل میان حق و باطل و حکم وی عدل باشد یعنی در راستی
قوی باشد و کامل بمعروف امر کند و خود ارتکاب آن نماید و از
منکر نهی کند و خود از ان اجتناب فرماید عبد المطلب چون
این بشنید دعا و ثنا گفت و گفت ای ملک این سر را روشن بگو

ابن ذی یزن سوگند عظیم خورد و گفت یا عبد المطلب انک بحره کن
غیر کذب عبد المطلب چون آن بشنید بسجده درافتاد ابن ذی یزن
گفت سر بردار که دل تو آرام گرفت و کار تو ارتفاع یافت
پس گفت دانستی که آن کیست گفت بلی مرا پسری بود شایسته
دختر وهب را از قوم خود بوی دادم از وی پسری آمد او را
محمد صلی الله علیه وسلم نام کردم پدر و مادر وی مردند و وفات یافتند من و عم
وی هر دو تربیت وی میکنیم ابن ذی یزن گفت هرچه با تو گفتم
چنانست که گفتم حال او را پنهان دار و با قوم یهود که دشمن اویند
دشمن وی اند اما خدای تعالی ایشان را بر وی ظفر نخواهد داد و این
سخن را نیز با این جماعت که با تو همراه اند آشکارا مکن که
از کید ایشان آیمن نیستم مباد اکه چون بدانند که شما را بسبب محمد صلی الله علیه وسلم
بر ایشان ریاستی خواهد بود هلاک وی خواهند و ایشان و با
فرزندان ایشان البته این خواهند کرد پس گفت اگر دانستمی که پیش از
بعثت وی مرا اجل نخواهد رسید سوار و پیاده خود را به یثرب
بردمی و آنرا دار الملک خود ساختمی و بکار معاونت وی برخاستمی

Copyright © King Saud University